

و وصول وظایف به هیچ و وظیفه خواری بیشتر از ثلث یاربع وظیفه اش
نمیرسید ، و باقی بچیب اشخاص واسطه و محصلین میرفت .

يك فايده ديگر كه در اجراء نقشه فوق متصور بودی این بود
كه مقدار كثری اسناد دولتی در معاملات ایران رواج می یافت ، چه
كه اسكناس (نوت های بانك) و مسكوكات تهره کلیه برای معاملات
و احتیاجات داد و ستد کافی نبود .

و در بعضی صور خرج حمل و نقل پول های ایرانی از طهران
بشهر ها و مراکز ایالات و ولایات داخله از صدی هشت تا
صدی يك كتر نمیشد و علاوه بر این دولت مجبور بود كه خسارت
(تاوان) ضرر اسكناس ها نيكه با پست حمل و نقل و مفقود
می شد ، تحمل نماید و (همچنین پولهای نيكه بانكها از جای بجای حمل
و نقل می نمودند در صورت مفقود شدن ، دولت مسئول تادیبه خسارتش
بود . مترجم)

رواج آزادانه آن قسم اسناد خزانه ، باعث اعتماد و اطمینان مردم
و جاری شدن اسناد دیگر میشد و به بعضی اعتبارات در مواقع پلتیکی
هم ، كما پیش در بازار های خارجه بفروش می رسید .

تعرفه موجوده گمركات یادگار پسندیده ایست از صداقت
و خلوص همسایه شمالی ایران ، چون نرخ و مقادیر گمرکی آن بین دولت
ایران و دول اروپا معین شده بود ، بدون رضایت ایشان تغییر پذیر
نبود ، فهرست های تعرفه مزبوره در زمان مسیو نوز صاحب منصب
و رئیس بلجیکی گمرک ترتیب یافت ، مسیو نوز با اینکه مستخدم ایران
بود ، در تحت حمایت دولت روس بلکه یکی از مأمورین و گماشتگان
آن دولت بشمار میرفت ، چنانچه سایر هموطنانش مستخدم در ایران

هم دارای همین شرافت می باشند . يك شاهد میلان روس دوستی مسیونوز اینست که تعرفه جاریه را بقسمی ترتیب داده بود که بکلی بر خلاف صرفه و صلاح و مضر بنواید ایران است . و بحدی بمنافع و اغراض روس مفید می باشد که در نظر کسا نیکه (ایرانیان) برای آنها ترتیب داده شده بود ، از منحوس ترین و بی حاصل ترین تعرفه های عالم بشمار میرفت .

نقص بزرگ آن تعرفه (و حال آنکه حاوی منافع روس و ضرر و خسارت ایران بود) این است که بحدی از اندازه اعتدال خارج است که مخارجی که برای محافظت از قاچاق سرحدات با اداره گمرک تحمیل شده ، خیلی بیشتر است از گمرکی که از آن امکان بدولت واصل میشد (۱) . در صورتیکه نرخ گمرکات بالمضاعف شود موافق و اعتدال انصاف کامل و صرفه حقه تجارت چه داخله و چه خارجه بوده و بکمال سهولت عایدات منظم ثابته بدولت تواند رسید . بلی این تعرفه که

(۱) وقتیکه استاتستیک واردات و صادرات سنه ۱۹۰۹ مراجعه شود میزان اعتدال تعرفه بخوبی مکشوف خواهد شد . کلبه واردات و صادرات در آن دو سال با هشتاد و يك میلیون و پچصد و نود و پنج هزار و چهار صد و هفتاد تومان (۸۱۲۹۵۰۷۰) و گمرکی که از آن عاید دولت گردیده بود سه میلیون و شش صد و سی و چهار هزار و سی و دو تومان (۲۹۴۰۰۳۲) بود که کمتر از صدی چهار و نیم باشد . صادرات و واردات مینه روسی و ایرانی (یعنی امنه که از ایران بروسیه و از روسیه به ایران حمل و تن میشود) در آن دو سال موازی چهل و هشت میلیون و نهصد و ده هزار و چهار تومان (۸۸۹۱۰۰۰۰) بود که بیشتر از نصف کل است . نرخ گمرکی امنه و مال التجاره روسی بسیار کم و نا قابل است (بزرگترین امنه روس که بایران وارد میشود شکر است که گمرکش صدی سه می باشد و همچنین (زلف تصفیه شده) که گمرکش صدی نیم می باشد) .

مانند آوار بسر ملت بی تجربه و خوش باور ایران فرود آمد ، نتیجه مشورت با مستشاران اجنبیه مالیه بود ، اغراض شخصی آن مستشاران عوض اینکه صرفه و صلاح ملتیکه آنها را مستخدم کرده بود بکار برده شود ، توجه ملت را بطرف دیگر معطوف داشت (کردند هر چه را که خواستند) ترتیب تعرفه مزبوره در تحت ریاست مسیو نوز شاهد خوب و دلیل متقنی است برای اثبات « جوهر خصوصیت و روح حقیقت » دوستی که حکومت پترسبرگ از پانزده سال قبل به این طرف بچالاکی بعنوان موجبات ازدیاد تعلقات و روابط با ضعیف ترین خواهر خود ایران اظهار مینمود ، آن تعرفه که فقط برای از دیاد منافع و صرفه دولت روس ترتیب داده شد ، گویا دولت انگلیس را با اینکه چشمهایش برای جلب فواید تجاری باز و کشاده بود و از هر طرف مواظب حفظ صرفه و صلاح خود بود بفنلت انداخت ، یعنی چشمهایش را بست . چون انگلیس ها مسیو نوزی از خود شان نداشته و یا بمرض کمی اقتدار و نفوذ مبتلا بودند ، مجبور شدند که آن قدح دواى جوشانیده تعرفه را که روسها مرتب و بدست آنها داده تا درد و نظره آخر سر کشیده و نوش جان فرمایند . نتیجه این شد با اینکه همه اعتراف و تسلیم دارند که تمام اقسام امتعه و مال التجاره روسی باشتنای خاویار (تخم ماهی) پست تر و ناقابل ترین امتعه ها است . با این حال تجار روسی کلیه تجارت نصف تمام نقاط شمالی ایران را به تصرف خود در آوردند . این تفوق و غلبه تجارت روس بر تجارت سایر ملل بواسطه پیروی نمودن از آن مسلك پوسیده و طریقه مندرسه قدیمی روس است . که امتعه که از اروپا به ایران حمل و نقل میشود مر بسته (بدون گمرک) اجازه عبور ندهد .

تقریباً هیچ يك از دول منمده همچو مسلكی را در باب عبور مال التجاره از مملكت خود منصفانه رعایت نموده اند . وجود چنین مسلك در روسیه مستلزم این شده كه مال التجاره را از راههای دور و دراز و طرق صعب العبور و خطرناك كاروانی از بنادر خلیج فارس حمل و نقل نمایند . تجار امته انگلیسی و اتباع خارجه اگر بخواهند مال التجاره خود را از روسیه عبور داده بشمال ایران وارد نمایند ، چاره برای ایشان جز این نیست كه بار گران گرك روس و تأخیر و تعطلات مأمورین گمرکی روس را تحمل نمایند .

بسیار جای تعجب است كه دولت روس از اختیار همچو مسلك ظالمانه جابرانه و خود خوا هانه خطای خود را ملتفت نشده است . يكسال یا چندی قبل دولت روس دفعه ملتفت شد كه یکی از اعضاء كندگان معاهده پست بین المللی خود او می باشد . بموجب معاهده مزبوره بسته های پستی [کلی پستال] كه از روسیه (یا سایر ممالك چنانچه همه جا معمول است) عبور می نماید ، باید سربسته گذشته و از حقوق گمرکی معاف باشد . نتیجه این سهو نظر و خطائیکه از روسها سر زد ، اینست كه امروز مقدار عمده مال التجاره [اروپا] بصورت [کلی پستال] از روسیه عبور نموده و روز افزون وارد ایران میشود . این مسئله بیشتر اسباب تغییر و شرمندگی مأمورین و تجار روسی شده است .

از سی سال قبل باین طرف بقدری خسارت و قصاص بنوسط اجانب به ایران وارد آمده كه امروز در های معاهدات و اختیار تعیین شروط آن و استعراض یا حق اعطای امتیازات و اتحاد بكلی برویشان مسدود و اختیارانشان مسلوب گردیده است ، همه آن حقوق به امضاء سلاطین و وزرای متقلب خود خواه از ایشان ساقط شده است ،

برای اینکه در ضرر و نقصان ملت بهر کارهای خودشان نائل شده باشند، روسها همیشه دلال هر زگیهای سلاطین ایران بوده و همیشه به آن سیاهستان (بد مستها) مدهوش سرا بهای [رم] می پیموده تا حقوق موردی خود شان را برایگان بفروشد. اثرات ازدیاد نفوذ اجانب از این رو شد که امتیازات بی در پی از دولت گرفته، تا حدیکه تمام منابع و سرچشمه های منافع و عایدات دولتی را به قسمی بروی ایرانیان بستند که امروز دولت ایران قدرت بجلب منفعت قلبی هم از ملك خود ندارد.

شروع مملکت فروشی از زمان انحصار معروف دخانیات در سنه ۱۸۹۱ میلادی (مطابق ۱۳۰۸ هجری) شد، از آن به بعد امتیازات راههای آهن و معادن و نفت و غیره و استقراضات متوالی بود که واقع میشد. اگر ایران بخواهد یکی از ابواب ترقی را بروی خود مفتوح سازد، فوراً فرامین سلاطین سالفه را بیرون آورده و دولت را از مداخله در حقوق حقه خود محروم و ممنوع ساخته و دعاوی ملیونها که از حد احصاء خارج باشد برخلاف اقدامات دولتی اظهار می نمایند. رعایا و اتباع دولت روس هر گونه ادعائی بکنند حق خواهند داشت، زیرا که دولت روس حمایت آشکار و کمک های رسانه از دعاوی اتباع خود میکند. یکی از معاذیر و شروطیکه دولت روس برای منع از وقوع استقراض چهار ملیون [لیره] اظهار نمود و من را ضی نشدم این بود که بانک استقراضی روس در طهران که شعبه بانک دولتی روس است، باید حق نظارت در مصارف آن وجه استقراض داشته باشد. تصویب نمودن دولت ایران آن رأی را مثل این بود که روس

را به سلطنت و حکمرانی ایران دعوت کرده باشد .
 وقتیکه شروع باصلاح امور مالیه نمودم علاوه بر چهار صد و چهل
 هزار تومانیکه خود شان بعنوان مساعده استقراض پیشگی گرفته بودند ،
 مأمورین ادارات بزرگ مرکزی و ولایتیهم چند ماه بود که حقوق نگرفته
 بودند ، و نمایندگان (۱) [دیپلماتی] ایران هم که در ممالک خارجه
 بودند ، سالها بود که مواجب به آنها نرسیده بود ، و از ایشان منوالیاً
 مکتوبات جانگداز و اظهارات داخراش میرسید ، که در [اروپا] گرفتار
 پریشانی شده و گیر کرده ، بواسطه آلودگیهایشان نمیتوانند خود را
 به ایران برسانند ، و فقط جنبه و حیثیت [دیپلماتی] شان آنها را از
 حبس و توقیف شدن محفوظ میداشت .

(۱) وقتی که شروع بکار نمودم يك دينار نقد در خزانه دولتی موجود نبود ، و مبلغ
 غیر معینی هم برای تادیه چکها و حواله جات دولتی و بروات خزانه و غیره که وزیرای سابق
 و لاحق صادر کرده بودند لازم بود * باوجود جنگ داخلی که از ابتدای سنه ۱۹۱۱
 میلادی (مطابق سنه ۱۳۲۱ هجری) درکار بود در صورتیکه فقط برای مصارف لوازم
 جنگ يك میلیون و نیم تومان لازم بود ، و باوجودیکه مالیات هم بواسطه اغتشاشات از ولایات
 بسیار کم وصول شد مبلغ چهار صد و چهل هزار تومان که پیشگی از بانک گرفته (و تقریباً
 نموده بودند) داده شد * و وجوه لازمه که برای گردانیدن دوایر دولتی اهمیت داشت
 فراهم شد ، و حقوق سفرای ایران تماماً پرداخته شد ، و جمیع مسئولیت های خارجی (یعنی
 تادیه اقساط قروض و منافع آن که برای رفع مسئولیت ایران لازم بود) ادا شد ، و فقط
 منفعتی که عاید دولت گشت این بود که پس از تادیه قروض متبدله (یعنی قروضی که از معاونین
 و اسامی مختلفه با استقراض اخیر تبذیر شده بود) و پیشگی هائیکه به اعتبار آن قرضه گرفته
 شده بود بالقصام تادیه اصل طلب بانک شامشاهی بعد از همه این مصارف تقریباً دو میلیون
 تومان از آن قرضه باقی بود وقتی که در ژانویه ۱۹۱۴ تمام امور خزانه و محاسبات را محوویل
 و رد نمودم بیشتر از شش صد هزار تومان جزء جمیع نقدی دولت آمد ، بطلاوه فاضل
 حسابات گهرکی تا سیزدهم ژانویه ۱۹۱۴ بیست و دوم محرم ۱۳۲۰)

اگر چه برای معاودت دادن اعتبار از دست رفته ایران بین اجانب سالها لازم بود ، ولی با این حال نهایت کوشش و اهتمام را نمودم که در تمام مدتی که رتق و فتق امور مالیه را در دست دارم يك حواله یا چك یا برآئی را امضاء نکنم ، مگر آنکه اول محل تأدیه اش را معین و پا برجا نموده که در رأس موعده به پردازم ، هیچوقت هیچ چکی که خزانه دار ممضا و قبول نموده بود نکول نشد . وقتی که اهالی استحكام اعتبار امضاء و قبولی خزانه دار را ملتفت شدند ، بدرجه اطمینان نمودند که اسناد و چکهای خزانه را بجای اسکناس قبول و ضبط مینمودند ، و حال آنکه حواله جات و بروات سابقه مالیه و آئی نگاه نداشته و فوراً بقیمت نازل می فروختند . در خزانه که در تحت نظارت ما بود ، فقط معدودی دفاتر بود که دولت در تمام مدت عمر خود آنها را ترتیب داده بود . میزان دفاتر مزبوره با صورت حساب بانگ های مختلف که با خزانه طرف حساب بودند مطابق بود . يك دفتری هم مرتب و معین شده بود که کلیه عایدات و مخارج دولتی را بنماید ، ولی دولت هیچ گاه همچو صورت کل یا میزان دخل و خرجی نداشته و مایل بداشتن آن هم نبود .

زمان کمی پس از شروع بکار دایره تفئیش سرئی تشکیل داده بودم مرکب از اعضاء ایرانی که مکر و حیل و خیالات قلب آمیز مستخدمین خزانه را تفئیش نماید . مداره مزبوره همیشه از نقشه خیالات محرمانه اعضاء ادارات مختلفه دولتی مرا می آگاهانید .

طریقه مسکوکات ایران بسیار ساده است . مسکوکات طلا چندان در معاملات رایج نبوده و مسکوک شایع عمومی همان قران است که موازی بانه [سانت] آمریکا یا چیزی کمتر است . هر ده قران يك

تومان است . ولی سکه تومانی رایج نیست بزرگترین سکه رایج دو قرانی (و پنج قرانی قره) است .

بانک شاهنشاهی ایران که مرکب از هیئت کمپانی انگلیس است بموجب امتیاز ترویج و اشاعه اسکناس را بخود انحصار داده و با قران مبادله میکرد .

تا چندی قبل حکام ولایات ایران يك قسم قران بسیار بد صورتی سکه میزده اند که مثل گلولهٔ پهن شده و تهرهٔ پر باری بود . [سیستم] (ساخت) ماشین و کارخانهٔ ضرب خانهٔ دولتی واقع در (خارج) طهران بسیار کهنه و فرسوده گردیده و مقرون بصره نبود . کارخانهٔ مذکور وقتیکه اسبابش از همه حیث کاملاً جمع و مهیا بوده و منظم کار می نمود ماهی هفتصد هزار تومان میتوانست سکه بکند .

مسئله امتداد و پیشرفت خط آهن در ایران ، مسئلهٔ بسیار غامض و پیچیده است . روس و انگلیس خطوطی را طالب می باشند که مناسب با صرّفهٔ جنگی و اغراض نظامی شان بوده و یا باعث تسهیل تجارت مخصوص خودشان باشد ، بدون تصور ترقی منافع اقتصادی ایران یا توجه بهیئت جامعهٔ آن ، عقیدهٔ اشخاص بی طرف دربارهٔ ایجاد خطوط ابتدائیهٔ مهمه این است که باید خطی تقریباً از جلفای (۱) روسیه شروع شده و از تبریز و زنجان و قزوین و همدان و خرم آباد گذشته به محره که در ساحل خلیج فارس است منتهی شود .

(۱) ناحیهٔ که موسوم به جلفا است از توابع آذربایجان هنوز جزء مملکت ایران بشمار امت ، مگر آنکه گفته شود جلفای روسیه قسمی از توابع جلفای ایران بوده که دولت روس جزء مملکت خود گردانیده است . مترجم

این بزرگترین راهی خواهد بود از شمال بجنوب که از تقاطع پرحاصل و زر خیز مملکت عبور می نماید ، و باعث ازدیاد منافع اقتصادی فوری تواند شد ، و ممکنست شعبه های کوچک مثل ازقزوین به طهران و غیره به آن اتصال داد . من مصمم بودم که از دولت ایران استدعا نمایم که قصد خود را برای کشیدن قطعات کوچک خط آهن اعلان نماید ، و اجازه استقراضی بدهد به سندیکتی (Syndicato) یعنی هیئت شرکائی که سرمایه آنها شخصی باشد . همچو خطی بدون شبهه و تردید بسیار نافع بود ، در صورتیکه خود دولت مباشر تعمیر آن باشد . خطوط دیگر که ذکرش سابق گذشت بتدریج در مواقع مناسبه ساخته می شد ، و اهمیت فوری نداشت .

باب دوازدهم

—:0:—

خاتمه (وقایعی که پس از حرکت مستر شوستر
و معاونینش از ایران بظهور پیوست بانضمام بعضی وقایع متفرقه دیگر)
وقایعی که پس از حرکت خود و معاونین امریکائیم از طهران
بوقوع پیوست، طوری افسوسناک است که نمیشد غیر از آن را از
دولتی که مرکب از هیئت اشخاص وطن فروش باشد، متوقع بود.
مسیو مورنارد (۱) صاحب منصب بلجیکی گمرک که برحسب خواهش
سفارتین روس و انگلیس از طرف کابینه مأمور به تحویل گرفتن محاسبات
و دفاتر خزانه شده بود، روز بعد از حرکت من از پای تخت نزد مستر
کرنز معاون خزانه دار آمده و حکمی از هیئت کابینه اراء نمود،
که بقیه السیف صاحب منصبان امریکائی را تهدید به عزل و جرمانه
می نمود، در صورتیکه دفاتر را فوراً تحویل ندهند. و حال آنکه

(۱) مسیو مورنارد در تمام آن معاملات برای اظهار خصومت و بد نفسی خود
و برای تملک مسئولیت امور خزانه نکته را فروگذار نکرده و موقع را از دست نداده تا عاقبت
بسمت خزانه دار موقتی معین شد * اگر چه خود او به الحاق کلمه اخیره این منصب راضی
نبوده و تن نمیداد، ولی عاقبت الامر راضی شد که برای رسیدن باسم خزانه داری، بگوید،
هرچه را که برسد و بهر عنوان که باشد * مسیو مورنارد پس از تحویل گرفتن خزانه ظاهراً
برای تملق و خوشامد حکومت سن پتر-برک مکتوبی به بلجیک فرستاد که در یکی از
جراید درج شود * در مکتوب مزبور نکته چینی و تنقید نمود بود از وضع اداره کردن
امریکان ها امور مالیه ایران را، و ایمانی (ریزه خوان) هم کرده بود که دو میلیون
فراک در محاسبات جاریه خزانه یا بانک های مختلفه طهران مفقود شده و محل خرجش غیر

خودم از چندین هفته قبل از حرکتم کوشش و جد و جهد کرده بودم که کابینه را مجبور نمایم تا طریقه و دستوری برای تحویل دفاتر و محاسبات خزانه معین کند، و چند روز قبل از حرکتم هم انتقال مشاغل خود را بمسئولین رسماً به کابینه اطلاع داده بودم، و مشارالیه هم حاضر و مستعد شده بود که تحویل بدهد، دیگر در هیچ صورتی احتمال آن تهدید غیر متوقعی که امریکائیهما اظهار تنفر و عدم رضایت از آن میکردند، بسیار بی موقع بود. وقتی که مراسم مذکوره در حضور مسیومورنارد خوانده شد، تمام مأمورین امریکائی بهیئت اجتمع از دفتر خزانه خارج شده و اظهار نمودند که دیگر هیچ گونه کاری بامسیومورنارد با کابینه نخواهند داشت. مسئولین بعد از آن واقعه پروتست کتبی بهر دو سفارت و وزراء ایران که آن طریقه جسورانه را

معین است * نظیر همین اظهارات را هم بوقایع نگاهان روزنامه های پای تخت روسیه نموده و بایشان نوشته بود که امریکائی هائی را که در ایران باقی مانده اند توفیق خواهد نمود تا توضیح آن مسئله داده شود * وقتیکه خبر آن اتهام در لندن بمن رسید فوراً بیانات او را تردید نموده و این جز را هم بر آن افزودم که مشارالیه فقط آلت دست روسها است و هیچ ربط و اطلاعی از طریقه اداره نمودن مالیه ندارد *

روزی که از طهران حرکت نمودم از حقیقت محاسبات جاریه خزانه یا بانگ ها کاملاً مطلع بودم * نمی توانم تصور کنم که چه چیز مسیومورنارد را وا داشت که مرا بچنین تهمتی متهم نماید * نه اینکه فقط سهل و دروغ بلکه خلاف اخلاق هم بود * چندی بعد ملتفت شدم که سبب اصلی آن خطای مضحک مشارالیه لکه گذاردن و بد نام کردن امریکائی ها در ایران و جلوه دادن درست کاری خود در انظار روسها و جرأید بطرسبرگ بوده است وقتی که مسیومورنارد و کابینه ایران امریکائی ها را از مسئولیت امور خزانه سبکدوش گردانیدند از محاسبات جاریه دولت ایران با بانگ شاهنشاهی معادل چندین هزار تومان که بانگ مزبور بعنوان مساعده بموجب صورت حساب جداگانه داده باقی مانده بود * متقابلاً این مبلغ اسمی (که صرف اسم و حقیقت آن معلوم نبود) سیصد هزار تومان طلب خزانه از بانک استقراضی روس بود، آن مبلغ از باب فاضل عایدات شش ماهه گمرک بود که

اختیار نموده بودند فرستاد ، وقتیکه سفراء ملتفت شدند که رفتار وزراء از حد تجاوز نموده ، فوراً به کابینه اطلاع دادند که آن گونه حرکت صحیح نبوده ، هیئت اخیره الذکر یعنی کابینه بوضع معمول ایران فوراً مراسله مثل همان مراسله اولیه جعل کرده و برای مستر کرنز فرستادند اظهار داشته بودند که اصل مراسله که بنوسط مسیومورنارد فرستاده شده آن بوده است . در عبارات مراسله ثانویه نه تهدیدی و نه عبارت خشن ناملاهی بود .

باری مستر کرنز بملاحظه آن مسلك صلح جویانه وزراء مسئله ؛ و تست را مسکوت عنه گذارده و باسفارتین روس و انگلیس که امور کابینه ایران را علانیه و آشکار در تحت نظارت خود در آورده بودند مناکره حرکت و مراجعت بقیه مأمورین مالیه امریکائی را در میان آورد . برحسب خواهش وزیر مختار روس امریکائیهها راضی شده که توقف نموده و باجیکی ها را در تحویل گرفتن و تفویض امور خزانه معاونت نمایند ، ولی بشرطیکه رعایت کاملی از مواد معاهده که بین دولت ایران و امریکائی ها شده بود بعمل آید . چون هیئت وزراء سرگرم و تمام همشان مصروف براضیه سفارتین بود مرتکب

برحسب شرایط استقراض روس بموعده شش ماهه ، یعنی تا آخر سال روسی مطابق سیزدهم ژانویه ۱۹۱۲ ختم میشد * مبلغ مزبور معناً و حقیقتاً تا دو روز بعد از حرکت من از طهران بجمع دولت نیامده بود ، و این مبلغ حاصل ایدات گمرکی بود از شش ماه قبل از حرکت * و در مقابل آن بانک شاهنشاهی هم آن وجه مساعد و پیشکی مذکور را داده بود * مسیومورنارد پس از آنکه زمانی از تحویل گرفتن خزانه صورت حسابی که مابین خزانه دار و آن بانک شاهنشاهی هم بعضی مطالبات غیر مؤدی را که از زمانه درازی مطالبه میکرد و معادل سیصد و پنجاه هزار تومان میشد مطالبه (و جزو صورت حساب) نموده و دعاوی مطالبات سابق الذکر از چندی قبل از شروع من بمشکل خزانه جاری بوده و چندین مرتبه هم رهبر کل بانک مقدار مزبور را مطالبه نموده

آن اشتباه نشده بودند ، از آن به بعد سعی نمودند که از قمشه و طرح سلوکی که وزیر مختار روس بر ایشان معین نموده ، بقدر سرسوزنی تخطی نه نمایند . چند روز بعد مستر کرنز وعده از معاونین امریکائی خزانه از طهران حرکت نمودند . مستر مکاسکی که معاون دوم من و رئیس شعبه محاسبات و معاملات نقدی خزانه بود عقب مانده و هم

ولی وقتی که حالت حاضره آن زمان خزانه را برای او شرح داده و منتقش گردانیدم که خزانه در این موقع نمی تواند این گونه مطالبات را ادا نماید ، راضی شد که چندی مطالبه نکرده و معامله را مسکوت عنه گذارد ، ولی بتجدید امریکائی ها از مسئولیت امور خزانه خارج شده و مسیو مورنارد اختیارات را بدست گرفت ، چون بانک شاهنشاهی اطمینان باو و به طریقه اداره مالیاتش نداشت تمام دعاوی مطالبات مذکوره را در جزو محاسبات دولت ایران محسوب و بخرج دولت آورد *

اگرچه در ممالک دیگر این گونه رفتار بی قاعده بشماراست ، ولی از طرف دیگر بانک هم برای وصول دعاوی خود چاره جز آن نداشت ، وقتی که مسیو مورنارد صورت حساب خزانه را از بانک خواست ، بانک در جزو صورتیکه فرستاده بود مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان مساعده و پیشگی را هم محسوب داشت ، تصور این امر چندان مشکل نیست که وقتیکه مسیو مورنارد و شرکا باجیکیش صورت حساب بانک را با دفاتر خزانه موازنه و مقابله نمودند ، ملتفت شدند که اختلاف حساب بیش از چند هزار تومان نبوده ، (همان چند هزار تومانیکه بانک از سابق ادا می نمود) صرف نظر از اشخاصی که کار دان و در امور ماله با بصیرت می باشند ، اشخاص معامله دان متعارفی هم می تواند بانک تا ملی ملتفت شوند که آیا ممکن است برای این تفاوت عمل توضیح و توجیهی قرار داد ، ولی بر خلاف این مسیو مورنارد بمجرد آنکه علی الظاهر اختلافی در صورت حساب دید برای پیشرفت اغراض کافی یافته فوراً مصمم شد اعلان نماید که صاحب منصبان امریکائی خزانه دو میلیون فرانک را از میان برده اند ، شاید دیری نگذشت که بر خود او هم مکشوف شد که اشتباه جاهلانه بی هوده نموده است ، از آن تاریخ به بعد دیگر چیزی علی الظاهر راجع بان مسئله از مسیو مورنارد تراوش نمود ، پس از چندی که بتوسط جراید اروپا صورت حساب اصلی اشاعه یافت وزیر ماله باجیک در موقع ملاقات با وقایع نگاران جراید اظهار نموده بود که همچو سراسله که نسبت بمسیو مورنارد می دهند که به باجیک فرستاده بکلی بی اصل و خلاف واقع است *

قسم معاونت در تحویل دفاتر و محاسبات تحویل خانه خزانه بصاحب منصبان بلجیکی نمود . مستردکی هم بامور ضراب خانه دولتی مشغول بود ، تا وقتیکه عوض و جانشینش از بلجیک وارد شد . خلاصه تا ماه مارس تمام امریکائی ها از ایران خارج شدند ، بجز کرنل مریل که برحسب خواهش سفارتها راضی شد که بسمت و عنوان مشاقتی ژاندارمری در ایران بماند .

روز بعد از حرکت از طهران در موقعیکه ماژور پرایس مشاقت امریکائی ژاندارمه سواره از معسکر واردوگاه (باغ شاه) به پارک اتابک می رفت ، از دریچه یکی ازخانه ها گلوله باو زدند . از سابق هم شهرت داشت که باید یکی از صاحب منصبان امریکائی کشته شود . پس از تحقیق معلوم شد مرتکب آن حرکت و تهدید از اعضاء انجمن [تروریست] سری ارامنه روسی بوده که میخواستند به آن وسیله فواید و اغراض پلانیکی خودشان را حاصل نمایند . حمله کنندگان که چهار نفر بودند فوراً از طهران فرار نمودند . بعد از چندی معلوم شد سر کرده و رئیس آنها یکی از صاحب منصبان سابق ژاندارمری بوده است . یک هفته پس از این واقعه آن صاحب منصب به طهران مراجعت نموده و خود را تسلیم کرد و اظهار مفصلی از نقشه آن سازش نموده و گفت که خود من در حمله بر ماژور پرایس شرکت نداشته ولی آن چهار نفر ارکان این کار که برحسب قرعه انتخاب شده اند می شناسم و آن خانه خالی را هم که از آنجا تفنگ خالی شده بود نشان داد و گفت که پاهای هر چهار نفر مرتکبین را خصوصاً شخصی که حقیقتاً به ماژور گلوله زده بود ، بسته بودند که فرار نکند (یعنی فرار و طفره از اجراء وظایفشان) و اگر تعاقب از آنان می شد

نمی‌توانستند فرار بکنند ، و این فقره مؤثر و دلچسپ را هم بیان نمود که هیچ يك از آنها خصومت و عداوتی با ماژور موصوف یا سایر امرایکائیان نداشتند ، بلکه مصمم شده بودند بای نحوکان ، یکی از امریکائی ها را کشته تا قشه پلنکی تازه بروی کار آید (۱) یعنی دولت امریکا را مجبور بداخله در امور ایران نموده شاید مفید بحال مملکت شود . کابینه آنصاحب منصب را فوراً حبس نموده و عاقبت کار و سر انجامش معلوم نشد . حقیقه در آن قضیه که بعد از حرکت امریکائی ها برای ماژور اتفاق افتاد از خوش بختی و خوش نصیبی مشارالیه بود که آن گلوله کارگر و مؤثر نیامد .

چندی بعد از واقعه انفصال و انهدام مجلس ، روسها مسئله تعمیر راه آهن (ترانس پرشیا) سر تا سر ایران را که از چندی قبل محل بحث و مذاکره بود ، دو باره پیش کشیدند . این خیال و اقدام از طرف روس ها چندان محل تعجب نبوده ، ولی همراهی دولت انگلیس با آن قشه اگرچه بقدریک طرفه العین هم باشد ، بسیار مورد تعجب است . با این حال جمعی از متمولین انگلستان شخصاً به پترسبرگ رفته که در ضمن مذاکرات منافع و اغراض دیگر خود مسئله راه آهن و طریقه سرمایه فراهم نمودن و چگونگی خطوط آن را مذاکره نمایند . وزارت خارجه انگلستان هم به حمایت‌های پسندیده خود از ایشان تقویت

(۱) نظر به شهرتی که در این باب نمود محرک مرتکبین غرضش قطع زیشه امریکائیان از ایران بود ، ولی پس از وقوع آن جنایت از ترس اینکه مبدا اغراض میشومه شافه از قراین مکشوف شود آن لباس پلنکی مجمول را بر آن حرکت پوشانیدند رعیت روس بودن مرتکبین و استغلاض محرمانه صاحب منصب محبوس و تبعیدش دلیل ثابتی باین امر است * مترجم

و نقشه آن خط را برای آنها کشید ، از شمال غربی ایران تا جنوب شرقی ، یعنی از یکطرف بخطوط آهن روس در جلفا متصل شود و از طرف دیگر بسرحد هندوستان ، الحق برای دولت انگلیس نقشه بسیار منحوس خطرناکی بود ، در صورتیکه افواج روس و انگلیس سرتاسر مملکت ایرانرا فرا گرفته و بیرقهای روسی در بزرگترین و زر خیز ترین ایالات ایران در حرکت و اهتزاز بوده و زمانیکه شمشیر و رشته های ابریشمی و زه حاق آویز روسی در شهر ستم دیده و بلا کشیده تبریز در کار بود ، دولت هند هم مساک قدیمی خود را برای محافظت هندوستان از تمین اردهاردینگ (۱) بسمت فرمانمائی هندوستان تغییر داده و معتدل نمود . دولت انگلیس اقلأ بقضای مناسبات ظاهری و ملاحظات متعارفی باید « از گفتگوی تعبیر همچو خطی در ایران » ممانعت نموده باشد . از امور مذکوره معلوم میشود که دولت انگلیس از هر تدبیر و اقدام بکلی مأیوس گشته و تن در داده است که همچو خط آهنی از اردوگاه و سرباز خانه و مخزن و قور خانه [باسنیون] های روسی یکسره و مستقیماً به سرحد مملکت هندوستان امتداد یافته و متصل شود ، دولت هند برای امضاء و تصویب نقشه این خط اظهار رائی که نمود فقط این بود که باکمال متانت و مال اندیشی خواهش نمود که مقدار عرض این خط در سرحد ایران با راه آهنهای هندوستان اختلاف داشته باشد . ولی غافل از این که فنون جنگی و قواعد نظامی امروزه بدرجه تکمیل یافته که ممکن است قشون و قورخانه و سایر لوازم عسکری را

(۱) لرد هاردینگ در موقیقه نماینده دیپلوماسی و سفیر پلنیکوی انگلیس در پتر-برگ بود بحدی توانس خود را تکمیل نمود که (رسوفیل) روس درست محکم ناپنی گردید

بکمال سهولت و آسانی به سرعت هرچه تمامتر از قطاری به قطار دیگر حمل و نقل نمود ، و همین که افواج روسی بنیال جنگ یکمرتبه به سرحد هند برسند شاید اختلاف عرض راه باعث جلوگیری از پیشرفتشان نشود .

یکی از اغراض دولتین روس و انگلیس که علی الظاهر از این نقشه مستنبط میشود مفاج ساختن ابدی ایران و به گرو رفتن تمام منابع مالیاتی آن بود . مسیومورنارد در آنوقت رای داده بود (ولی نه از طرف خود) که ضامن یعنی مسئول نفع و ضرر و خیر و شرّ این خط باید دولت ایران شناخته شود . این رای باندازه بی شرمانه و جسورانه بوده که نظیر آن دیده نشده و دولت ایران هم هیچگاه همچو راه آهنی لازم نداشته ، چه فقط همچو خطی حاوی اغراض نظامی است و ابداً نظری بصرفه و صلاح تجارت ندارد . اگر دولت ایران مجبور بضمانت اسناد تعمیر همچو خطی شود ، تمام مجاری و منابع مالیاتیش اقلّاً تا صد سال بمصرف مخارج این ضمانت خواهد رسید . علاوه براین اگر مضار دیگر این معامله ملاحظه شود ، دیده خواهد شد که ملزومات روسی قسمتی از این راه که بین جلفاء و اصفهان واقع است ، بچه قیمت‌های گزاف فوق‌الطایفه (مثل تفنگ‌های ریفل) بر ایرانیان بی‌چاره تحمیل خواهد شد . بهر حال اگر خط مزبور فقط تا نقطه آخری یعنی اصفهان منتهی و ختم شود ، فواید صرف فوایدی و اغراض دل‌نخواهانه بسیاری برای روس حاصل خواهد شد . و چنانچه تا سرحد هندوستان امتداد یابد فواید نظامی و نتایج جنگیش نیز برای دولت روس از حد حصر خارج خواهد بود . در همچو راه آهن سر تا سر ایران تا چند نسل بعد ، فواید تجارتی متصور نمیشد ، بلکه فقط نقطه نظرش بمنافع پلّتیگی و اغراض سیاسی خواهد بود ، و هیچگونه صرفه اقتصادی که تناسب باخرج باشد برای دولت ایران نخواهد داشت

[پروگرام] تعمیر « راه آهن بزرگی » هم که تا سه ماه قبل دولت انگلیس بدان اشاره مینمود که باید در ظل حمایت دوستانه دولتمن بموقع اجراء گذارده شود از همین قبیل بود . سرادوار دگری این مسلك جدید را برای فریب دادن عموم ساده لوحان انگلیس اختیار کرد ، چنانچه آزمایش شود مکشوف خواهد شد که نتیجه آن تدبیر سیاسی فقط این شد که معادل دویست هزار لیره سفارتین روس و انگلیس در طهران به آن (عروسك) بازیچه‌ها تیکه « دولت شاهنشاهی ایران » را تشکیل نموده بدهند ، آن هم بسود فیداضانه و حاتم بخشانه صدی هفت . در واقع کوه را (۱) از هم پاشیده و از مابین شگاف هایش موش کوچکی بیرون آوردند . شروط منحوس پلنیکسی که عبارات موهومه در ضمن آن بکابینه قبولانیدند ، نمونه اغراض بی حقیقت و بی اطمینان بود ، از مراسله منتهیه که سفارتین در هیجدهم مارس (۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۰) بدولت ایران نوشتند بی مناسبت نیست که در اینجا درج شود ، تا ثابتی که از معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس در آزادی و ترقی و آبادی مملکت ایران بروز و ظهور نموده بخوبی واضح شود .

مراسله سفارتین :- نظر به استحکام روابط دوستی و عوالم یکجبهنی بین دولت انگلیس و دولت امپراطوری روس و دولت شاهنشاهی ایران و استقرار آن بر اساس و بنیاد رزین اطمینان بخش و تا درجه که ممکن باشد معاونت دولت ایران در اعاده دادن سربلندی و نظم و امنیت مملکت خود ، سفارتین روس و انگلیس بر حسب ایماء دولتمن متبوعین خود شرف اظهار

(۱) این جمله ضرب المثل و کنایه از ویران نمودن مملکت ایران است برای منفعت کم خود

لفظ این مثل که (برای یک دستمال بصریه را آتش میزنند) مترجم

دارند که آراء ذیل را بدوات ایران پیش نهاد نمایند .
 اول اینکه دولتین متفقاً حاضر می باشند که برای مصارف لازمه دولت ایران هر یک صد هزار لیره (بعنوان مساعدۀ پیشکی) کارسازی دارند .
 در صورتیکه جواب مطلوب و مناسب این مراسم به سفارتین داده شود ، بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی حاضر می باشند که هر یک سلسله حساب جاری برای دولت ایران افتتاح نمایند . این مسئله مسلم است و جوهی که بانک استقراضی از بابت این حساب جاری بدوات ایران می پردازد به [روبل] (منات) خواهد بود که معادل نهصد و چهل و پنجمزار و هفتصد و پنجاه [روبل] باشد .

(۲) مبلغ مذکور بنرخ سود صدی هفت سالانه داده خواهد شد .
 محل تأدیہ اش ازوجه استقراض آینده دولت ایران خواهد بود ، و تمام اضافه عایدات گمرک شمالی و جنوبی که تا حال در این دو بانک امانت دوات بوده به تناسب سهام روس و انگلیس (یعنی بالمناصفه) بمصرف تأدیہ اقساط استهلاك و سود این مساعدہ خواهد رسید .

(۳) وجه این استقراض مساعدہ بموجب [پروگرانی] که بین کابینه و سفارتین ترتیب یافته در تحت نظارت خزانه دار کل بمصرف خواهد رسید .
 و این هم مسلم است که قسمت عمده اینوجه بمصرف انتظامات ژاندارمری دولت بمعاونت صاحب منصبان سویدی باید برسد . سفارتین در تقدیم این پیش نهاد بجهت حصول وازدیاد مبنائۀ که سابقاً اشاره بدان شده امیدوار اند دولت ایران خود را ملتزم بشناسد که اولاً مسلك خود را ازین تاریخ به بعد مطابق اصول معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس قرار دهد (یعنی منطقه های نفوذ را اعتراف و تسلیم نماید . ترجمه) ثانیاً بمجردیکه محمد علی شاه و سالارالدوله از ایران بخارج شوند افواج غیر منظم فدائی را

مرخص نماید . ثالثاً سفارتین نقشه برای تشکیل و نظم مختصر فوج
منظم با آری مرتب خواهند نمود . رابعاً معاهده در باب خارج شدن
محمد علی شاه از ایران (۱) و تعیین وظیفه و تأمین عموم اتباعش برقرار
خواهد شد . امیدواریم جواب مطلوب مناسبی با برسد . ج .

[سر جارج بارکلی] [پاکلیوسکی کزیل]

آخر کار امید و آرزوهای سفارتین بعمل آمده و در بیستم مارس ۱۹۱۲
(۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۰) یعنی دویز بعد از وصول مراسله متفق مزبوره
بکابینه وزیر خارجه بحرب پاکباز یعنی دوست قدیمی ما و ثوق الدوله « چون
مقاصد پسندیده دولتین مجاورتین را با کمال شغف معترف بوده مواد آن
مراسله را قبول نموده و امضاء کرد » قبول شروط مزبوره حلقه زنجیر
دیگری که ساخته شده بود برای اینکه مملکت ایران را تا ابد ادهر به یکی
از دو همسایه مهربان الحاق نماید (یا رسن تازه تری بود که ایران را تا
ابد اسیر دام یکی از آن دولتین متحابتین دارد .)

اگرچه به نظر تاریخی ، محویت و اضمحلال ملیت ایران بتوسط روس
و انگلیس چندان تازگی و غرابت ندارد ، ولی باعث رفع قالم و تحسر این
واقعیه هم نتواند شد . وقتی هم که آزادی ملتی محو و بکلی رفته شده
باشد ، ممکن بود برای ارتکاب آن افعال شنیعشان ، اقلأ عمل و معاذیر نیم
موتجیبی قرار دهند ، مثل ترقی ثروت و تجارت یا تشکیل ادارات پلنیگی
بهتر و منظم تری . ولی در حال دولت ایران هیچ يك ازین معاذیر

(۱) در ماه اوت ۱۹۱۱ مطابق شعبان ۱۳۲۹ همین دو دولت بدوات ایران اظهار
نموده بودند که چون محمد علی شاه مخلوع بقصد استرداد تاج و تخت داخل مملکت شده مطابق مواد
قرار دادی که در سبتمبر ۱۹۰۹ (۲ رمضان ۱۳۲۸) بین دولتین و دولت ایران به
امضاء رسیده تمام حقوق و وظیفه صد هزار تومان مشارالیه ساقط شده است . با وجود آن

و نواقص وجود نداشت ، و جداً هیچ جای این هم نبود که ادعا یا اطمینان کرده شود که روس تمدن و ترقی ایران را تأیید خواهد نمود .
 دولتین در تمام اقدامات و مذاکراتشان با دولت ایران ، هیچگاه منتظر و متمسک بعذر و بهانه مختصریم نشدند ، که مثلاً این اقدامات برای بهبودی حال ملت یا آسایش عمومی است ، افعال واقوالتشان که جس انصاف تمام اهل عالم را شمشز و متنفر می نماید ، مبنی بر اغراض جابرانه و جلب منافع خودشان بود ، که فقط بعنوان محافظت منافع روس یا تجارت انگلیس ملت بی گناه مظلوم را قتل عام می نمودند ، هیچگاه کلمه هم گفته نشد که مناسبت ظاهری داشته باشد با حقوق ملیونها ملتی که حیاتشان در معرض خطر و مهلکه و حقوق شان پایمال اغراض اجانب شده است .
 جدیدترین مطبوعات راجعه بمعاملات ایران (۱) دو کتاب آبی انگلیسی است ، که با وجود اداری نمودن عنوانات آن و خارج و القاء کردن مطالبی که باعث سوءظن نسبت بدولتین می شد ، بعموم مردم آشکار تواند کرد ، که چه گونه حمله های خون خوارانه بدولت شاهنشاهی ایران نموده اند .

اظهاریکه در ماه اوت شده بود دیده میشود که همین دو دولت در هیجدهم فوریه ۱۹۱۲ (۲۰ صفر ۱۳۳۰) دولت ایران را ملزم و مجبور می نمایند که دو باره وظیفه محمد علی را برقرار نموده و تا مین کامل بهمه راهان و اتباع غارت گرش عطا نماید . از پرتو نور این اقدامات ناخفانه ، حقیقت پروستهای مکرره روس و صدق اظهارات عدیده سرادواردگری در مجلس و آملای عمومی که دولت روس همدردی با شاه مخلوع نداشته و در اراده مضطرب نمودن دولت مشروطه و بیخنگ آوردن سلطنت ایران با او شرکتی ندارد ، بخوبی واضح و روشن میگردد . حقیقت واقع این است که منشاء اصلی و علت العلل کامل فراهم شدن پول برای آن حمله چپاولانه و غارت گرانه بواسطه اغراض کابینه بطرسبرگ بوده است .*

(۱) « مطبوعات دیگر راجع بامور ایران » مراسلات نمرة ۲ و ۴ است که در مارس

۱۹۱۲ به مارکال تقدم شده است .*

در آن مکاتیب و مراسلات يك سطر هم نوشته نشده بود که از او استنباط شود که ایران ملت دوشنانه بود که همین دو دولت آزادی شاهنشاهی را اعلان و ضمانت کرده و با این حال در (۱) دسمبر ۱۹۱۱ همان آزادی و شاهنشاهی را محو و نابود ساختند *

(۱) از مراسله متفقین یازدهم سپتمبر ۱۹۰۷ سفارتین بدولت ایران برای اثبات اینستکه فقره رسمی ذیل (در تحت عنوان ایران نمره ۱ - ۱۹۱۲) قابل توجه است * نظر با اینکه دولتین روس و انگلیس خواستار اجتناب از موجبات تصادم بین اغراض متناسبه (علی السویه) خود در نقاط و حصصی از ایران میباشند که از یکطرف متصل یا در قرب و جوار حدود افغانستان و بلوچستان و از طرف دیگر بسرحد روس وصل می باشد * این جهت معاهده دوشنانه مطابق مواد ذیل ما بین شاه با امضا رسیده است :- *

« بموجب این معاهده دولتین متفق و متعهد می باشند که استقلال و آزادی ایران را کاملاً تصدیق نموده و باقی و برقرار دارند * و صادقانه طالب ترقی سلامت روانه آن مملکت و حافظ فوائد متساویه تجارت و صناعت هر يك از ملل دیگر می باشند * و نیز تعهد می نمایند ، در صورتیکه دولت ایران امتیازی بدول اجنبیه عطا ننماید ، دولتین در نقاط متصله یا در قرب و جوار سرحد مملکت خواهش تحصیل امتیازی دیگر ننمایند * و بجهت رفع هرگونه اختلاف و سوء تفاهم آینده و احتراز از پیش آمد اموری که باعث تولید اشکال و پریشانی امور داخله ایران شود ، خط های مزبوره در این قرار داد محسوس شده است * اثر و فائده هم که از عاهدات دولتی ایران با استقراض آل دو دولت بتوسط ناانگ شاهنشاهی و بانگ استقراضی مترتب می شد کما فی السابق به همان حال باقی خواهد بود * و نیز دولتین تعهد می نمایند در صورت وقوع بی نظمی (تاخیر) در تادیه اقساط استهلاك و سود آقرضه دوشنانه با هم تبادل افکار نمایند * و برای محافظت فواید و منافع طلب کاران و منع از هرگونه مداخلت که مطابق اصول این قرار داد نباشد باتفاق يك دیگر تدابیری نمایند که موافق قوانین بین المللی باشد *

دولتین بموجب این معاهده امضا شده بقدر طرفة العینی هم اصول و مبانی رعایت و احترام استقلال و آزادی ایران را از نظر خود فراموش و محو نخواهند نمود * از انعقاد این معاهده هیچ مقصودی ملحوظ خاطر دولتین متعهدین نیست بجز اجتناب و احتراز از سوء تفاهم هر يك در امور راجعه به ایران ، دولت شاهنشاهی ایران می تواند بکمال خوبی مطمئن شود که استقرار این معاهده بین دولتین بطریق مؤثری مؤید امنیت و آبادی و ترقی ایران خواهد بود *

اکنون دیده می شود حکومت توام انگلیس و روس در ایران برخلاف معمول تمام ادوار و از منته این اولین دفعه است که سلطنت دو پادشاه در یک اقلیم دیده می شود ، ولی حقیقت امر این است که آثار و شخصانیت روسی این سلطنت بیشتر از انگلیسیتش می باشد ، و این امر از ضعف دولت انگلیس است . از اثرات همین ضعف است که ایرانیان در حالت اعدام سیاسی و عبودیت اقتصادی افتاده ، و هیچ کس اعتنائی بناله و تظلمات اخلاقی آنها نمی نماید . باین جهت که ضعیف و ازا اهل آسیا و در ظل قفقاز می باشند . در ظرف مدت یکسال مراکو و طرابلس و ایران یعنی سه دولت اسلامپرا همسایگان مسیحی متمدن ، خراب و ویران نمودند . در هر صورت منظره خوشنمائی بنظر نمی آید . آیا کسی خواهد توانست که صدها ملیون مسلمانان غضبناک را ملزم نموده و نسبت تقصیر به آنان دهد ؟ آیا مسلمانان عالم میتوانند جز این تصور نمایند که واقعات سنه ۱۹۱۱ امری غیر از نتیجه اتفاق دول مسیحیه اروپا می باشد که بنیاد اسلام را از صفحه عالم برانداخته و یکتفر مسلمان را هم باقی نگذارند ؟

مابین مسلمانان ، اهل ایران تازه احترام زیادی از مذهب نصرانیت و علوم آن شروع نموده و متداول گشته و کسب و اتخاذ قوانین اخلاقی مغرب زمینان مایل و تازه تقلید و پیروی از رویه و مسلکهای تجارنی و قنون سیاسی آنان نموده و از مفاد احکام عشره دین مسیح مطلع شده بودند . با این حال اگر از مسیحیت سئوال نمایند که چه قدر و مرتبه برای آن احکام عشره باقی خواهد ماند ؟ در صورتیکه حکم و تو نباید دزدی بکنی ، را بحالت مراکو و طرابلس و ایران مقایسه نمایند آیا جواب چه خواهد بود ؟

مصنف دربارهٔ اینبار نفس در معاملات بین المللی فریب نخورده و بهانه

هم برای گول خوردنش موجود نیست ، ولی از مغلوب شدن ایران می توان سرمشتی حاصل نمود ، که دنیای منمدن لازم است ، مدت مدیدی مسافرت نماید ، تا بتواند قامت مردانگی را علم نموده و خود را بختیار به بیند . اهالی ایران که در عوض بندگی حکام ظالم متقلب ، برای حیات و استقلال خود می جنگیدند ، مسوجب تمجید و سزاوار تحسین و سرنوشتی بهتر ازین بودند ، ولی اکنون متأسفانه بنده وار اسیر شده و بعنوان دزد ارتجاعی و پستترین یاغی کشته میشوند . شاید مدبرین و کارپردازان روس و انگلیس باین اقدامات خود در ایران فخریه و مباحثات نمایند . ولی بسیار مشکل است که دیگر آن ارتکاب این قبایح و شایع را مایه شرافت خود شناسند .

کیپلینگ (Kipling) گفته است که مشرق زمینیان را ممکن نیست بجهله و سرعت بزور راند ، و این کار مستلزم وقت و تأمل است . اهالی مغرب زمین و خیالاتشان می توانند مشرق زمینیان را بطرف مقاصد خود جلب نموده و ایشان را مطیع خود سازند ، در صورتیکه اهالی مشرق مطمئن شوند که آنان را بطریقه سوق میدهند که نافع بحالشان باشد . حقیقت واقع این است که دعاوی اخلاقی و مفاخر و شئون ملی و حب وطنی بهمان درجه که مابین مغربیان شایع و ضایع است ، بهمان پایه مابین مشرقیان جاری و جاری می باشد ، نهایت باندازه خیالات مغربی سطحی (آشکار) نیست و طبعاً منسفر می باشند ، از تمکین و اطاعت اجانب خصوصاً در صورتیکه تصور نفع خود را نمایند .

امیدواری نجات ایران فقط منحصر بودی باصلاحات مالیه که درحالت پریشانی و بی نظمی بود . در ازمنه مالفه شاید ممکن می شد که بانبودن ترتیبات صحیحه مایاتی حکومت مقتدره مرکزیه تشکیل و منتقد شود

اکثر سلاطین سابقه در برقرار نمودن حکومت مستقله با اقتداری در تمام
 مملکت کامیاب و نایل میشدند ، ولی در این زمان ممکن نیست ، زیرا که آن
 اساس سابقه که بتوان بدان وسیله امور را منظم نمود برچیده شده
 است ، مگر در صورتیکه اصول موثره مالیاتی و امور منعلقه به آن را
 کاملاً اداره نمایند . ایرانیان هم خودشان این نکته را بخوبی ملتفت
 شده اند . باستثنای امراء و اعیان متقلب و مستخدمین خان دولتی ،
 سایر طبقات نهایت میل و آرزو را بنایل شدن ما داشتند . روسها این
 احساسات ما را ملتفت شده و هیچگاه راضی باقتدار ما نبودند ، همین خوف
 شان که مبادا ما موفق باصلاح مالیه بشویم ، بهترین دلیلی است بر تحسین و
 تعجید افعال ما ، زیاده بر این بحث و تطویل ، لا طایل است .